

حجب وحیا در قاموس خبرنگار

دو «جنده» در افق ایران

امیر فیض - حقوقدان

چندی پیش بصورت اتفاقی به مصاحبه آقای سیامک زند که خودشان را خبرنگار بین المللی در دربار ایران معرفی میکند برخوردیم؛ که مجری برنامه آقای جلیل مرتضوی و آقای زند مشترکا برنامه ای را علیه شاهنشاه وبستگان ایشان دنبال میکردند. آقای مرتضوی درحقیقت آقای زند را هل میداد به آنچه که خودش میخواست بگوید، آقای زند گفته باشد. مرتضوی که بنده او را نمیشناسم و برای اولین بار از برنامه اومطلع شدم موضوع را کشید به والاحضرت اشرف پهلوی و زند هم گفت: >هیچ مردی در دنیا نیست که بدنش به بدن اشرف نخورده باشد<.

از آنجا که ادعای آقای زند ادعای بی قواره ای است یعنی ادعائی است که در هیچ شرائطی قابل پیاده کردن نیست. معمولا اشخاص منطقی به چنین ادعاهائی اعتنائی نمیکند، زیرا اساسا مطلبی که قواره اجرایی نداشته باشد؛ حتی فحش هم تلقی نمیشود، اما وقتی چنین مطلبی از ناحیه کسی اعلام میشود آنهم در یک رسانه تلویزیونی وگوینده هم خود را خبرنگار بین المللی دربار میداند آنوقت نمیتوان مسئله قواره را مطرح ساخت وحتما باید شدت وحدت گوینده را نسبت به بیان موضوع معیاردانست.

جلیل مرتضوی از بوستون روی اینترنت برنامه دارد و کور است



به دلیلی که عرض شد بلافاصله به آقای مرتضوی تلفن کردم، و گفتم که آیا بدن شما هم به بدن والاحضرت اشرف خورده است؟ که آقای زند در مصاحبه شما مدعی شد که بدن هیچ مردی نیست در دنیا که به بدن والاحضرت اشرف نخورده باشد و شما هم ساکت ماندید؟ آیا اصلا چنین امری ممکن است که بدن تمام مردان جهان به بدن زن خورده باشد ضرب المثل به گنجشک گفتند منار به فلانت گفت یک چیزی بگو که بگنجد مصداق این مفت گونی های پردرد سراسر است.

توضیح دادم که ادعا آسان است ولی اثبات آن بسیار دشوار، آیا ادعای آقای زند قابل اثبات است؟ خبرنگار کسی است که خبری را می بیند ویا میشنود و اگر بررسی کرد و آنرا واقعی دید بنام خبر منتشر میکند و اگر شایعه بود بعنوان شایعه در خبر میآورد و اگر فهم و درک و عقل خبرنگار نتوانست قواره اجرایی به خبر بدهد آنرا خبر تلقی نمیکند. فرق بین یک

خبرنگار بایک عامی همین مسئله ای که عرض شد آیا آقای زند دیده ویا ممکن میداند که بدن تمام مردان جهان به بدن یک زن خورده باشد؟

گزافه و دروغ مانند تملق و چاپلوسی حدی دارد از حد که گذشت میشود مهمل و یامیشود علامت دیوانگی گوینده.

باری چون تصور میکردم که اعتراض بنده را با آقای زند در میان بگذارد چندروز بعد برای آگاهی از جریان، سری به همان کانال آقای مرتضوی زدم و تصادفا مصاحبه دیگری با همان آقای زند داشت که بنده هم مستفیض شدم!!

دو جنده

در این برنامه است که آقای زند با خوشحالی خبرداد پس از ۴ سال انتظار کشیدن امروز سیتی زن کانادا شده است؛ بنده نفهمیدم سیتی زن کشور خارجی شدن چه موهبتی است که خبر آن نشاط آور تلقی شود و بعد هم فصل مشروعی درباره حجب وحیا صحبت کردند وگله از اینکه حجب وحیا در بین ما ایرانیان بکل از بین رفته است و در اثنای این صحبت ها موضوع شورای تجزیه طلبان را آقای زند مطرح کرد و گفت **<منتظر السلطنه = رضاپهلوی دوتا جنده را آورده در افق ایران آخر ما اینها را میشناسیم>.**

واقعا حیرت کردم نه به آن موعظه هائی که از حجب وحیا کرد و نه از این واژه زشت که براحتی آنرا بکار برد؛ آخر مرد حسابی مدعی هستی که خبرنگاری آنهم بین المللی (بنده خبرگزاری بین المللی شنیده ام ولی خبرنگار بین المللی نشنیده ام) اینکه به دو خانم ایرانی که در یک دستگاه خبری اشتغال بکار دارند عنوان جنده دادن کجای کار خبرنگاری است؟ کارلات های فاحشه خانه هاهم نیست. جنده به زنی گفته میشود که شغلش فاحشگی است بنابراین در کانادا جنده کسی است که پروانه کار داشته باشد.

این نگاره از سیامک زند از تلویزیون جمهوری اسلامی برداشته شده ملاحظه کنید..... واژه «جنده» به چه کسانی مربوط می شود؟؟



آیا خانم هائی که در افق ایران کار میکنند پروانه فاحشگی دارند؟ آقای خبرنگار بین المللی؟ آیا شورای تجزیه طلبان یک فاحشه خانه است؟ آیا درک یک شخصیت سیاسی که کار سیاسی میکند با یک فاحشه خانه برای کسی دشوار است که برای این خبرنگار بین المللی! دشوار است؟ شرم وحیا که شما آنرا برخ بینندگان برنامه کشیدید همین است که در یک رسانه عمومی خانم هائی که در افق ایران کار میکنند را فاحشه معرفی و خودت را هم شاهد معرفی کنی؟ واقعا حالم بهم خورد از هرچه خبرنگار اینجوری است.

من نمیدانم که این خانم ها چه کسانی هستند ولی زند میداند که گفته است من آنها را میشناسم، ولی بهر جهت حیا، شرافت و اخلاق محکوم میکند این رفتار نامردانه را. مگر آقای سیامک زند همسر و مادر و

خواهر ندارد، مگر نمیداند که اتهام جندگی به دیگران همان اثر را دارد که دیگران اتهام فاحشگی را به زن و دختر و مادر او بدهند.

مادر خارج از کشور فعالیت سیاسی میکنیم لاجرم با فرهنگ سیاسی سروکار پیدا میکنیم نه با فرهنگ چارپا داری. آقای زند در قطعه نامه شورای تجزیه طلبان ویا هدف ان ایرادی نیافت و فقط فاحشگی دوزن!! را یافت که تصور میکنم اگر آن دو خانم هم از سفارش شدگان زند بود شورا میشد نور علی نور واقعا که ایشان خبرنگار بین المللی است ویا خبرنگار فاحشه شناسی است.

بهر حال چون نام شورای تجزیه طلبان دران برنامه و وابستگی آن خانم ها به شورا که آقای زند آنها را فاحشه معرفی کرده بطور مستقیم به حیثیت سیاسی واجتماعی شورا زیان وارد میسازد **اگر شوراییک جو درک شرافت برای خود و کارمنداناش راداشته باشد، باید اقدامی کند که آقای زند حداقل در همان برنامه از شورا و خانم های مزبور عذرخواهی کند و اگر شورا به این مهم اقدام نکند مستتر و محتمل در این معناست که شورای تجزیه طلبان در زمینه های فاحشگی هم فعالیت دارد.** شورا حتما متوجه هست که انتشار خبر از سوی شخصی است که خبرنگار بین المللی معرفی شده است نه یک فرد عادی، لاجرم نمیتواند خبر را بلا تکلیف رها کند باید به آن اهمیت بدهد و وارد رسیدگی بشود و اگر خبر درست است و آن خانم ها دارای کارت فاحشگی هستند، در مورد اشتغال آنها تجدید نظر کند و اگر خبر درست نیست از آن خانم ها و خود شورا اعاده حیثیت نماید، تصور میشود همان اتهام تلاش برای زمینه سازی تجزیه ایران و سازش با جمهوری اسلامی و مشارکت در انتخابات برای شورا بقدر کافی سنگین هست که نیازی به شناختن شورا بعنوان یک مرکز اشاعه فحشاء برای کسب شهرت و جذب مردم نباشد.

رفع تکدر

حقیقت این است که وقتی از آقای زند شنیدم که گفت: >هیچ مردی در دنیای نیست که بدنش به بدن والا حضرت اشرف نخورده است< قدری پریشان شدم که چطور یک خبرنگاری که مدعی است در دربار شاهنشاهی ایران حضور داشته چنین دروغ غیر ممکن را چاق میکند، دروغی که تاکنون از هیچکدام از دروغسازان جمهوری اسلامی نخوانده و نشنیده ام. ولی مصاحبه دوم ایشان با آقای مرتضوی واتهام جندگی به دونفر از خانم های شورا، آنهم با آن جسارت و اطمینان بصورت صدا و سیما، این توجه راداد که ممکن است آقای سیامک زند به نوعی بیماری مبتلا باشد که درک اهمیت و تاثیر کلام را نمیکند قرینه ای که میتواند این تردید را استوار سازد این است که از سیتی زن شدن کانادا آنقدر احساس مسرت داشته که اولین صحبتش در مصاحبه اعلام آن بوده است.